

نکات بسیار مهم مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی

مقدمه و مبانی اساسی

۱. هدایت شایسته بخش «تربیت رسمی و عمومی» از جریان تربیت در هر جامعه، نیازمند آن است که مجموعه‌ای از گزاره‌های مدلل و مدون، تبیین چیرستی، چرایی و چگونگی آن را بر پایه فلسفه تربیتی خاص آن جامعه، بر عهده گیرد.
۲. هدایت، جهت‌دهی و اصلاح مداوم بخش تربیت رسمی و عمومی باید با توجه و التزام به چنین مجموعه‌ای (فلسفه تربیتی خاص) صورت پذیرد.
۳. ضرورت تدوین «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» با توجه به چند نکته آشکارتر می‌شود:

۱- الگوی نظری ** :

۴. تربیت رسمی نظیر سایر پدیده‌های اجتماعی امری تاریخمند است که باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان، تکوین و تحول یابد.
۵. الگوی نظری واحد و جهان شمولی از تربیت رسمی وجود ندارد.
۶. تصور نادرست وجود الگویی یگانه از تربیت رسمی، سبب شده تا الگوی نظری رایج در کشورهای غربی در نظام‌های تربیتی دیگر جوامع جهان نیز گسترش یابد.
۷. الگوی نظری رایج غربی نمی‌تواند زمینه توسعه و تحول مناسبی را برای جوامع غیرغربی فراهم آورد.
۸. الگوی نظری رایج غربی موجب انقطاع جوامع غیرغربی از پیشینه فرهنگی و تاریخی خود و انفعال فرهنگی آنها نسبت به فرهنگ مسلط جهانی خواهد شد.
۹. هر کشوری باید بر اساس مبانی فکری، پیشینه فرهنگی و فلسفه تربیتی خاص جامعه خویش، برای انواع تربیت رسمی (اعم از عمومی و تخصصی) تبیین فلسفی ویژه خود و الگوهای نظری مناسب آن را ساخته و پرداخته کند.



۱۰. تربیت رسمی، بیش از هر چیز تابع مقتضیات محیط اجتماعی است و حدود و ثغور و ویژگی‌های آن تحت تأثیر شرایط جامعه رقم می‌خورد.

۱۱. تثبیت فرآیندهای تحول مطلوب و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر هر جامعه نیز عمده‌تاً مرهون نظام تربیت رسمی آن است.

۲- ویژگی‌های خاص ** :

۱۲. تربیت رسمی و عمومی در میان انواع تربیت، دارای ویژگی‌ها و اقتضائات خاصی است.

۱۳. نمی‌توان بدون توجه به ویژگی‌ها و اقتضائات خاص تربیت رسمی و عمومی، تبیین فلسفی چیستی، چرایی و چگونگی آن را در ضمن مباحث فلسفه تربیتی جامعه و صرفاً به مثابه یکی از مصادیق جریان تربیت (در معنای عام آن) پیگیری کرد.

۱۴. بر خلاف تربیت در معنای عام، تردیدهایی در مباحث فلسفه تربیت معاصر نسبت به اصل ضرورت وجودی تربیت رسمی و عمومی (با توجه به انتقادات متعدد وارد بر مصادیق رایج آن) مطرح شده است.

۱۵. باید با توجه به ویژگی‌ها و اقتضائات تربیت رسمی و عمومی (خصوصاً اجتماعی)، به طور خاص نسبت به تدوین و تبیین فلسفه تربیت رسمی و عمومی همت گماشت.

۳- **ناکارآمدی** :

۱۶. تاکنون نظام تربیت رسمی و عمومی در کشور ما، بر فلسفه مدون و استواری در چهارچوب فلسفه تربیتی بومی و متناسب با نظام فکری و ارزشی اسلام مبتنی نبوده است.

۱۷. عدم ابتناء بر فلسفه بومی و اسلامی، از عوامل مهم بروز ناهماهنگی و انسجام نیافتگی و در نهایت ناکارآمدی نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی ایران بوده است.

۱۸. عدم ابتناء بر فلسفه بومی و اسلامی باعث شده تا عموم اقدامات اصلاحی و تحول جویانه در این نظام به نتایج دلخواه نیانجامد یا کم‌ثمر بماند.

